سرمقاله

خلاء اصول مدون سیاست های کلان دولت

محمدرضا هویدا

امضای تفاهم‌نامه تبادل اطلاعات استخباراتی میان پاکستان و افغانستان واکنش های جدی ای را در میان سیاستمداران و دولت مردان افغانستان برانگیخته است.

بر اساس گزارش ها، حامد کرزی رئیس جمهور پیشین کشور نگرانی عمیق خود را از امضای تفاهم‌نامه میان ریاست امنیت ملی افغانستان و سازمان استخبارات نظامی پاکستان (آی اس آی) ابراز داشته است. وی درخواست کرده که، این سند را به زودی ممکن باطل کند و در آینده نیز از امضای سندهایی که مخالف منافع ملی باشد خودداری کند.

محمد خان معاون اول رئیس اجرائیه نیز گفته است که عبدالله عبدالله خواستار اصلاح تفاهمنامه‌ی امضا شده میان امنیت ملی و آی اس آی شده است. شماری از اعضای ولسی جرگه و مشرانو جرگه نیز امضای این تفاهم نامه شدیدا مخالفت کرده اند. برخی از سیاستمداران و جناح های سیاسی نیز با این تفاهم نامه به مخالفت برخواسته اند.

تفاهم نامه تبادل اطلاعات استخباراتی میان افغانستان و پاکستان، در حالی امضا شده است که دولت وحدت ملی هنوز هم دارای وزیر دفاع نمی باشد و توسط سرپرست اداره می شود.

وضعیت امنیتی در افغانستان نیز به گونه ای نگران کننده است. برخی از ولسوالی ها در معرض تهدید جدی طالبان قرار دارند. حمله های انتحاری به صورت فزاینده ای شهرها و ولایات مهم کشور را تهدید می کند.

طالبان به سوی ناامن سازی ولایات شماری کشور حرکت کرده اند و عملیات های بهاری طالبان تا کنون تلفات زیادی از مردم افغانستان گرفته است.

به هر صورت در مورد تفاهم نامه تبادل اطلاعات استخباراتی با پاکستان بیشتر از اینکه به جنبه های فنی و تخنیکی آن پرداخته شود به ابعاد و پیامدهای سیاسی آن توجه شده است. به نظر نمی رسد که بحث بر سر این تفاهم نامه به ابعاد تخنیکی و فنی برسد. به نظر برخی از کارشناسان، این مسئله باید مورد توجه رهبران دولت وحدت ملی قرار بگیرد که مسایل حساسیت زا و تنش آمیز، می بایست در دایره همکاری و هماهنگی های بیشتری صورت بگیرد. اختلافات سیاسی میان دولتمردان راه را برای ثبات سیاسی و فراهم سازی زمینه های همکاری و کار بیشتر برای سازندگی و صلح و ثبات خواهد بست. بخش عمده ای از عمر دولت وحدت ملی تا کنون بر مذاکره برای حل اختلافات سیاسی گذشته است. این بخش می توانست به حد اقل تقلیل پیدا کند.

اولویت اساسی افغانستان برای برون رفت از بحران کنونی نه امضای تفاهم نامه ها با کشورهای خارجی و نه مخالفت با امضای این تفاهم نامه با چنین کشورهایی می باشد، و نه درخواست کمک های مکرر از کشورهایی برای ایفای نقش فعال در پروسه صلح، و حمایت از برخی کشورها و مخالفت با برخی کشورهای دیگر است، بلکه مهمترین کار، ایجاد روحیه هماهنگی و همکاری میان نیروهای سیاسی و دولتمردان کشور برای ایجاد روحیه وحدت ملی در درون حکومت وحدت ملی است.

در صورتی که روحیه وحدت ملی و وحدت عمل در این حکومت ایجاد نشود، تمامی تلاش ها و فعالیت ها مصروف حمله ها و دفع حمله ها بر علیه یکدیگر می شود.

آنچه دولت وحدت ملی را واداشته است تا بعد از ماه ها نتواند کابینه را تکمیل کند، و ماه ها است که بخش اعظم ولایات با سرپرست اداره می شوند، نبود هماهنگی و وحدت عمل و نظر میان رهبران دولت است.

امضای تفاهم نامه استخباراتی میان پاکستان و افغانستان یک نمونه از مواردی است که دولت نتوانسته در میان خود به تفاهم برسد.

عین مسئله در موارد دیگری تکرار شده است. تکرار چنین مسایلی نشان می دهد که دولت افغانستان، اصول سیاست خارجی و د اخلی خود و اجندای دولت در مورد مسایل کلان را نتوانسته تهیه و ترتیب نماید. بدین ترتیب دولتمردان حکومت وحدت ملی قبل از هر چیزی باید به تهیه اصول و استراتیژی دولت وحدت ملی بپردازند، و نگذارند هر مسئله ای به عنوان یکی از عوامل اختلافات میان دولتمردان و سیاست مداران کشور مبدل شود.

چند دستگی حکومت و چگونگی مبارزه با مشکلات

علی قادری

تفاهم نامه اطلاعاتی که میان ریاست امنیت ملی کشور و سازمان استخبارات پاکستان، آی.اس.آی امضا شد چهره از روابط و چند دستگی سران حکومت وحدت ملی برداشت. جبهه گیری ها روشن تر شد. رسانه های معتبر این مسئله را پوشش دادند. از جمله روزنامه گاردین این مسئله پرداخت. اینکه این تفاهم نامه تا چه اندازه به سود یا زیان منافع ملی ماست، بماند. اما مهمترین مسئله این است که مشکل ما تنها امضا تفاهم نامه ریاست امنیت ملی با سازمان استخبارات پاکستان نیست. ما مشکل چندجانبه داریم. مشکلات فراوان و چند دستگی سران حکومت وحدت ملی مایه نگرانی است. این چند دستگی فرصت و امکان عبور از وضعیت کنونی و حل مشکلات و بحران متعدد را تا اندازه زیاد ناممکن می گرداند. این احتمال وجود دارد که جبهه گیری های درون حکومت منجر به دودستگی در میان مردم گردد و در نهایت، حکومت را با مسئله ادامه حکومت مواجه سازد. نوشتار کنونی با بررسی مشکلات متعدد در صدد آن است تا به سران حکومت وحدت ملی گوشزد نماید که چند دستگی آن ها می تواند منجر به سقوط حکومت گردد.

اول؛ گروه طالبان به عنوان گروه مسلح و مخالف حکومت قدرتمند شده است. در سال جدید، این گروه توانسته است مزاحمت های جدی در ولایات مختلف کشور برای نیروهای امنیتی کشور ایجاد کند. انفجار ها و انتحار های که در کابل، پایتخت کشور صورت می گیرد، خود بیانگر قدرتمند شدن این گروه است. در کنار اینکه گروه طالبان قدرتمند شده است و دست به حملات در نقاط مختلف کشور می زند اما، حکومت تا هنوز نتوانسته است تصمیم واحد و قاطع در مورد برخورد با این گروه بگیرد. در عین حال، که حکومت در ولایات مختلف درگیر مبارزه با این گروه است، پروسه صلح را نیز دنبال می کند. این رفتار را هر طور تعبیر و تحلیل کنیم، بدون شک، نشان ضعف تصمیم گیری حکومت را نشان می دهد. در کنار، گروه طالبان داعش نیز فعالیت خود را آغاز نموده است و هر روز دامنه و قلمرو فعالیت اش گسترده تر می گردد. حکومت افغانستان تنها قادر به مبارزه با این گروه نخواهد بود. با این حال، تا هنوز هیچ اقدامی مبنی بر اقناع کشور های منطقه از سوی حکومت افغانستان به منظور مبارزه با داعش صورت نگرفته است.از آنجایی که بیشترین تهدید از سوی داعش متوجه افغانستان است. لازم است که حکومت افغانستان ابتکار مبارزه فراکشوری را در پیش گیرد و کشور های منطقه را متقاعد کند تا با این پدیده به صورت جدی مبارزه نماید. مسئله اما، تنها به اینجا ختم نمی شود. جنگ داعش و طالب مسئله مهم دیگری است که باعث نگرانی شهروندان شده است. از انجایی که این دو گروه دهشت افکن است و هراسی از ویرانی و راه اندازی کشت و کشتار و جاری نمودن جوی خون ندارد، مردم افغانستان نگران وضعیتی است که تشدید جنگ این دو گروه در پی خواهد داشت. حکومت اما، تا هنوز هیچ سخن نگفته است.

دوم؛ کشت و قاچاق مواد مخدر یک دغدغه جدی است. کشت و قاچاق مواد مخدر اقتصاد جنگی را تقویت می کند و به صورت مستقیم گروه های مخالف مسلح دولت را تقویت می کند. کشت و قاچاق مواد مخدر بخش از نیازمندی های مالی گروه های مخالف مسلح دولت را تأمین می کند. جدا از اینکه منجر به تأمین نیازمندی های مالی گروه های تندرو می شود، جنگ افغانستان را دامنه منطقه ای و در نهایت جهانی می بخشد. مواد مخدر به کشور های مختلف قاچاق می شود. برای ادامه قاچاق مواد کشور های مختلف و سازمان های مافیایی در جهان به ادامه جنگ در افغانستان کمک می کند تا کشت و قاچاق مواد مخدر در افغانستان با مشکل مواجه نگردد. کاهش کشت و قاچاق مواد مخدر می تواند ضربه به گروه های مخالف مسلح باشد. اما آشفتگی کنونی سران حکومت و چند دستگی آن ها امکان مبارزه جدی را می گیرد.

سوم؛ فساد گسترده در ادارات دولتی مشکل دیگری است که دست و پای حکومت در اجرای سیاست ها و برنامه ها را گرفته است. فساد در سال های اخیر با وجود ایجاد کمیسیون مبارزه با فساد اما، گسترش یافته است. گستردگی فساد و پیچیدگی آن باعث شده است که مبارزه با آن سخت و دشوار گردد و کمیسیون مبارزه با فساد و نخبگان کشور همه در دامن آن بغلتد. این مهم، در نهایت امکان هر گونه دگرگونی و کار موثر از حکومت را می گیرد و هیچ پالسی حکومت به شکل اساسی اجرا نمی گردد. در سیزده سال گذشته، اکثریت پروژه های حکومت به شکل بد اجرا شده است.در ادامه نیز، هیچ پروژه دولتی به شکل که باید اجرا و تطبیق شود، نخواهد شد. اما آنچه فساد را گسترده تر می سازد و مبارزه با آن را تبدیل به یک آرمان می کند، درگیری سران حکومت به خاطر منافع شخصی شان است. چند دستگی شان امکان تداوم هر گونه سیاست جدی و قاطع را سلب می کند.

چهارم؛ اوضاع و احوال جهان نیز پیچیده می شود. کشور های اسلامی در دام بنیادگرایی گیر کرده است. بحران سوریه، یمن منجر به تنش و شکل گیری جنگ سرد میان قدرت های منطقه شده است. مشکلات کشور های منطقه حتی دامن افغانستان نیز گرفته است. عربستان سعودی و ایران به شکل جدی وارد یک جنگ سرد فرهنگی-مذهبی در افغانستان شده است. آمریکا و روسیه در مسئله اکراین درگیر است. چین معلوم نیست که جدا از منافع اقتصادی خود چه جهت گیری در مورد افغانستان در پیش خواهد گرفت. با وجود آشفتگی تمام در دنیا اما، افغانستان هیچ معلوم نیست که چگونه بازی خواهد کرد. اشتباه است که وضعیت و آشفتگی کنونی در سیاست بین الملل تاثیری بر اوضاع و احوال افغانستان نمی گذارد. تجربه نشان داده است که آشفتگی و هرج و مرج در سیاست بین الملل اولین بار دامن کشور های ضعیف و در حال منازعه را می گیرد. آتش جنگ و منازعه را شعله ورتر می سازد.

همه این ها دشواری های فراروی حکومت را نشان می دهد. حکومت از جهات مختلف وابسته به کشور های دیگر است. همه این مشکلات می طلبد تا سران حکومت با چشم باز به مسائل پیش رو بنگرد و به صورت یک دست در برابر مشکلات ایستادگی نماید. فراموش نباید کرد که در صورت که جامعه از کنترل حکومت خارج شود و هرج و مرج حاکم گردد، اولین بار دامن سران حکومت را می گیرد. ممکن مردم متضرر شود اما آنچه ضربه فنی می خورد سران حکومت است. زیرا، سران حکومت در کنار اینکه قدرت سیاسی را از دست می دهد، سرمایه اقتصادی و مالی خود را نیز از دست خواهد داد. از این جهت، در وضعیت کنونی دو تیم اصلاحات و همگرایی و تحول و تداوم باید دست در دست هم دهد و به شکل عقلانی وارد گفتگو شود و وضعیت را مدیریت نماید.

پناهجویان و سرنوشت نا خوشایند در گینه نو

حسین یمن

شامل هستند طی دوسال گذشته راهی استرالیا شده بودند. حکومت استرالیا این پناهجویان را به کمپ مانوس که در کشور پاپواگینه نو موقعیت دارد فرستاد و دوسیه های انان را نیز به حکومت گینه نو واگذار نمود. اکنون حکومت پاپوا گینه نو اعلام کرده است که دستکم یکصدو بیست ونه تن از ین پناهجویان که پس از تکمیل دوسیه های شان پناهجوی واقعی تثبیت گردیده اند میتوانند که در کشور گینه نو زنده گی کنند. این پناهجویان پس ازین میتوانند که درین کشور ازادانه کار نموده و از تمای امتیازات این کشور استفاده کنند. حکومت پاپواگینه نو همچنین اعلام کرده است که چهار صد تن از پناهجویان دیگر که دوسیه های انان نیز تکمیل گردیده مستحق پناهنده گی درین کشور شناخته نشده اند. پیتر اونیل نخست وزیر پاپوا گینه نو گفته است که این پناهجویان به زودترین فرصت های به کشورهای اصلی شان باز گردانده خواهند شد. در اغاز ماه جاری میلادی نه صدو هفتادو یک پناهجو در کمپ مانوس زنده گی میکردند که ازین میان یکصدو بیست ونه تن انان میتوانند در کشور گینه زنده گی کنند و چهارصد تن دیگر نیز ازین کشور اخراج خواهند شد.

پاپوا گینه نو کشور کوچکی است که دراقیانوسیه واقع واز ششصد جزیره کوچک تشکیل شده است. بخش اعظم این کشور روی جزیره اتشفشانی وزلزله خیز قرار دارد وهر از گاهی موجهای بلند سال ان را می نوردند. این کشور از غرب با اندونیزی ،از جنوب با استرالیا و از شرق با جزایر سلیمان همسایه هستند. گینه نو از سال ۱۹۰۶ تحت سلطه استرالیا اداره میشد ودر سال ۱۹۷۵ رسما استقلال خود را از استرالیا بدست اورد.

این کشور در سال ۲۰۱۳ توافق نامه را با استرالیا به امضا رساند که به اساس ان پناهجویانی که غیرقانونی وارد ابهای استرالیا میشدند دستگیر وسپس به کمپی که ازسوی استرالیا در جزیره مانوس ساخته شده بود منتقل میشدند. کمپ مانوس زیر نظر حکومت پاپوا گینه نو قرار دارد. پناهجویانی که درین کمپ فرستاده میشدند تا زمانی که در خواست های پناهنده گی انسان نهایی نشده همچینان درین کمپ میمانند. به اساس توافقی میان حکومت استرالیا و گینه نو،پناهجویانی که درکمپ مانوس فرستاده میشدند دیگر هرگز چانس ورود به استرالیا را نداشتند. انان حتی اگر مستحق پناهنده گی هم شناخته میشدند، جبرا باید تابعیت گینه را میپذیرفتند وباهم دوباره به کشور اصلی شان باز گردانده میشدند. راه سومی برای این گروه از پناهجویان وجود ندارد.

در حال حاضر تعداد کمی از پناهجویان درین کمپ باقی مانده اند. درخواست های پناهنده گی ایسن افراد نیزدر حال پروسس میباشد و در اینده نزدیک سرنوشت انان مشخص خواهد شد.

انان نیز دو راه بیشتر پیش رو نخواهند داشت. یا برگردند به کشور اصلی شان یاهم براهمیشه اقامت درین کشور کوچک را بپذیرند. زنده گی در کشور پاپوا گینه نو با پناهجویانی که از کشورهای نظیر افغانستان،پاکستان ،بنگله دیش ،عراق وسوریه هستند بسیار سخت و دشوار میباشد زیرا تفاوت های فرهنگی فراوانی میان اقوامی که در گینه نو زنده گی میکنند با پناهجویان وجود دارد. پناهجویانی که درکمپ مانوس زنده گی میکنند کسانی هستند که به امید رسیدن به استرالیا خود را به اب زده بوددند اما روزگار سرنوشت انان را به این کشور جزیره کوچک کشاند. این پناهجویان اگر از ابتدا میفهمیدند که به جای استرالیا از گینه نو سر درمیاوردند هرگز هوای استرالیا نمیکردند وپول شانرا درین مسیر پر خطر به مصرف نمیرساندند.

حکومت استرالیا توافق نامه مشابهی را با کشور نارو نیز به امضا رسانده شوند. کشور کمبودیا در توافق با حکومت استرالیا پذیرفته است که حدود یکهزار پناهجو را از کمپهای نارو و مانوس بپزیرد وبرای آنان درین کشور اسکان دایمی دهد. هرچند در زمان حاکمیت جولیا گیلارد در استرالیا،پناهجویانی که درکمپ نارو فرستاده میشدند، پس از تکمیل درخواست های پناهنده گی شان در صورتی که پناهجویی واقعی تثبیت میشدند چانس ورود به استرالیا را داشتند اما با امدن تونی ابوت دیگر شرایط به کلی عوض شد. تونی ابوت نخست وزیر کنونی استرالیا از مخالفان سرسخت مهاجرتهای غیرقانونی به این کشور به شمار میرود. وی پس از انکه در انتخابات سال ۲۰۱۳ استرالیا پیروز شد،اعلام کرد که دیگر پناهجویانی که تلاش کنند به صورت غیرقانونی وارد استرالیا شوند،هرگز درین کشور پذیرفته نخواهند شد. تونی ابوت از همان اغاز کار چندین راهکار مشخص را برای جلوگیری از ورود پناهجویان غیرقانونی به خاک این کشور روی دست گرفت. فرستادن پناهجویان به کمپ نارو ومانوس و عدم پذیرش این پناهجویان در خاک استرالیا از ابتکارات اقای ابوت به شمار میرود.

وی همچنین برنامه دیگری را روی دست گرفت که به اساس آن تمامی کشتیهای حامل پناهجویان غیرقانونی،قبل از ورود به ابهای استرالیا متوقف ودوباره به همان کشوری فرستاده میشوند که از انجا عازم استرالیا شده بودند. این برنامه که بنام عملیات حفاظت از مرزهای استرالیا یاد میشود،یکی از موفق ترین برنامه ها برای توقف مهاجرتهای غیرقانونی به استرالیا به شمار میرود. رهبری این عملیات را یک جنرال ارتش استرالیا به عهده دارد. این برنامه درست در ماه های اخیر سال ۲۰۱۳ به اجرا گذاشته شد. از زمانی که این برنامه به اجرا گذشته تا اکنون هیچ کشتی حامل پناهجویان غیرقانونی نتوانسته که موفقانه وارد ابهای استرالیا شود. حکومت استرالیا هدف از راه اندازی این عملیات را حفظ جان پناهجویان و قانونمند سازی روند مهاجرت به این کشور اعلام کرده است. طی سیزده سال گذشته حدود پانزده صد تن از پناهجویان در مسیر استرالیا جانهایشانرا از دست داده اند. این پناهجویان به دلیل اینکه راه های غیرقانونی را برای مهاجرت به استرالیا انتخاب کرده بودند دچار چنین سرنوشتی شدند. مهاجرتهای غیرقانونی به استرالیا یکی از خطرناک ترین شیوه های پناه گزینی در سطح جهان به شمار میرود زیرا این گونه مهاجرتها عمدتا توسط کشتیهای کهنه وفرسود که در مقابل باد وباران به شدت اسیب پذیرند انجام میشود.

کارتون روز

روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook AFGHANISTAN

□صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
□مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳٤۱۸٦۱
□سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱٥۷۳۷۱

□ کاریکاتوریست: خالق علی زاده

□دیزاین: محمد صالحی، علی‌اصغر زاهدی
□مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

□آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر V- ۱۳۷

روزنامۀافغانستان از همۀ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدۀ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com